



۱۷/۰۱/۲۰۱۴

حمید انوری

عرب ها برای شکار پرندگان آمده اند، یا خزندگان نایاب؟!



{ کابل (پژواک، ۲۲ جدی ۹۲): برخی اعضای مشرانو جرگه، با انتقاد از شکار پرندگان نایاب از سوی عرب ها، ادعا میکنند که آنها بخاطر حمایت و کمپاین یک نامزد ریاست جمهوری به افغانستان آمده اند. هفته گذشته برخی رسانه ها تصاویر و گزارشاتی را منتشر نمودند که نشاندهنده شکار پرندگان در غرب کشور از سوی تعدادی از عربها بود. این در حالی است که بر اساس فرمان رییس جمهور کرزی، شکار در افغانستان منع قرار داده شده است. این کار عرب ها، واکنش های تنیدی را در قبال داشته و مشرانو جرگه نیز نگرانی خود را در این خصوص ابراز نموده است. }

درگرما گرم انتخابات ریاست جمهوری و داد و معامله های پیدا و پنهان، عرب های خرپول به یقین که نه برای شکار پرندگان نایاب، بلکه به گمان غالب جهت شکار خزندگان نایاب به کشور ما سرازیر شده باشند، خزندگان دوپا ایکه در چهار پا روان اند، شش چشم دارند و هشت دست و در جهان واقعاً نایاب اند و بی نظیر. ادعای برخی اعضای مشرانو جرگه، یک واقعیت تلخ را بیان میکند که در انتظار مردم دربند افغانستان است، شاید از همینرو بوده باشد که رئیس جمهور به شدت مخالف حضور داشت ناظرین بین المللی در انتخابات ریاست جمهوری بوده و امضاً قرارداد با ایالات متحده را به بعد از انتخابات محول نموده است.

خدا گر پرده بردارد ز روی کار آدم ها
چه شادی ها خورد بر هم، چه بازی ها شود رسوا

شاید رئیس جمهور دستور منع شکار پرندگان نایاب و چرندگان و خزندگان نایاب را صادر کرده باشد، اما غافل از خزندگان نایاب دو پا بوده باشد و یا هم...

" محمد علم ایزدیار که ریاست مجلس را بر عهده داشت، گفت که مشرانو جرگه در این زمینه تاحدی جستجو نموده و یک سروصدا این بود که اسماعیل خان معاون اول استاد سیاف، این عرب ها را دعوت کرده و در این شکار همراهی شان شریک میباشد؛ اما اسماعیل خان تنها از این عربها در میدان هوایی هرات استقبال نموده است." جای افسوس است که مشرانو جرگه افغانستان بجای آنکه از منابع رسمی محلی، اخبار و معلومات مؤثق بدست آورد، معلومات خود را از " سر و صدا"، یعنی منابع سرچوک بدست می آورد و بر آن استناد میکند. بهتر آن می بود تا وزیر خارجه و داخله را به صورت عاجل به مشرانو جرگه فرا میخواندند و در زمینه طالب معلومات و اسناد میگردیدند، از جانب دیگر آژانس خبررسانی طلوع گزارش تلویزیونی را از تشریف آوری عرب ها به میدان هوایی هرات منتشر کرد که تورن اسماعیل از این مهمانان ناخوانده پذیرائی میکند.

<https://www.youtube.com/watch?v=EbkUQaStblo> گزارش طلوع نیوز

دیپانو شمیره: له ۱ تر ۵

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ magalat@afghan-german.de یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

قرار گزارشات بعدی، وزیر خارجه از حضور در مشرانو جرگه خودداری نموده است، زیرا هیچگونه پاسخ منطقی و قابل قبول ندارد که پیشکش کند.

وزیر خارجه " ضرار احمد مقبل عثمانی " که گویا یکی از برادران جهادی محمد اسماعیل، وزیر آب و برق پیشین بوده است، در تبنانی با محمد اسماعیل و سیاف و هابی، زمینه مسافرت بیش از یکصد و شصت (۱۶۰) شیخ را به افغانستان مهیا نموده و ویژه دخولی افغانستان را برای هر یک با تمام آلات و اسباب شان که دربرگیرنده چندین موتر ضد گلوله نیز میشود، صادر نموده است، اما ببینیم سخنگوی وزیر چه میگوید: " جانان موسی زی، سخنگوی وزارت امور خارجه امروز در یک نشست خبری گفت که حکومت از طریق رسانه‌ها از سفر شکارچیان خارجی به افغانستان با خبر شده است."

این خود یک افتضاح بزرگ است برای وزارت خارجه، وزیر خارجه، سخنگوی وزارت خارجه و در کل برای حکومت افغانستان. وزیر خارجه باید جوابگوی قضیه باشد و اگر برخلاف قوانین افغانستان عمل کرده است، باید نه تنها دست اش از کار گرفته شود، بلکه به لوی خرنوالی معرفی گردد. یکصد و شصت (۱۶۰) نفر با تمام آرگاه و بارگاه و عمله و فعله و موتر های ضد گلوله و چندین درجن باز شکاری خود وارد افغانستان می شوند و وزارت خارجه مملکت، " از طریق رسانه‌ها از سفر شکارچیان خارجی به افغانستان " باخبر می شود.

سیاف هیچ شوق برای شکار پرندگان ندارد که با شکارچیان عرب شریک باشد، او در شکار انسان ید طولا دارد و منافع او و معاون اش اسماعیل در جای دیگری با شیخان عرب و پاکستانی و بنگه دیشی، گره خورده است، اما جای دارد که والی هرات پاسخگوی این قضیه باشد که تورن اسماعیل در حالیکه هیچ مقام سیاسی ندارد، به کدام عنوان جهت پذیرائی شکارچیان عیاش عرب به میدان هوایی هرات رفته است.

عبدالرب رسول سیاف نظر به کدام منصب سیاسی خود اجازه دعوت بیش از یکصد و شصت (۱۶۰) نفر شکارچی را به افغانستان بدست آورده است؟!

" وی افزود: تقاضایی را که این عربها داشتند این بود که قرارداد پنجساله را با افغانستان امضانمایند و درچوکات این قرارداد، هرسال یک تیمی از آنها به افغانستان بیاید و مدتی را در اینجا سپری نماید که شکار پرندگان نیز شامل آن می باشد."

در کشور ایکه شکار ممنوع گردیده، میخواهند قرارداد پنج ساله برای شکار امضا کنند و هر سال به افغانستان بیایند و قرار گفته محمد علم ایزدیار " شکار پرندگان نیز شامل آن می باشد."

یعنی جناب "ایزدیار"، می خواهند بگویند که قرارداد صرف یک بهانه است و این شیخان بی عار در کنار آن کار دیگر، شکار هم خواهند نمود، اما چون پای سیاف و اسماعیل در بین است و این جنابان هم در داد و گرفت با همدیگر شریک اند، حتی از گرفتن نام این افراد واهمه دارند.

موصوف گفت: "رئیس جمهور با این قرارداد مخالفت نمود؛ اما گفته است که هرسال برای یک گروپ عربها اجازه داده شود که به افغانستان بیایند و من فکر میکنم که این افراد به همان اساس آمده اند؛ بخاطری که این عرب ها باویزه آمده که وزارت خارجه وداخله نیز در جریان هستند."

چگونه است که رئیس مشرانو جرگه مدعی است تمام این شیخان شکاری با ویژه وارد افغانستان گردیده اند و تلویزیون طلوع هم مکتوب رسمی وزارت خارجه کشور را به نمایش میگذارد که به مقامات مسؤل در هرات دستور همکاری با شیخان شکاری داده شده است، اما سخنگوی وزارت خارجه ادعا میکند که وزارت خارجه از موضوع اطلاع ندارد و از طریق رسانه ها در زمینه اطلاع بدست آورده اند.

از جانب دیگر چرا رئیس جمهور باوجود دستور منع شکار، به شیخان شکاری اجازه شکار سال یکبار را داده است؟

آیا بعد از ختم دوره کاری رئیس جمهور فعلی، این قرارداد همچنان مرعی الاجرا خواهد بود؟

ایزدیار علاوه نمود که این عربها دو وعده داده اند، یکی اینکه پرندگانی را که شکار میکنند، تلاش می نمایند در ولایت فراه برای آن یک فارم ایجاد کنند؛ دوم اینکه در بازسازی ولایت سهم میگیرند، مشروط براینکه قرارداد پنجساله عقد گردد؛ اما در این زمینه بین دولتها تفاهم صورت نگرفته است.

شیخان شکاری فکر میکنند همه مردم مانند خودشان فاقد مغز و شعور اند. آنها بگفته ایزدیار وعده داده اند: "پرندگانی را که شکار میکنند، تلاش می نمایند در ولایت فراه برای آن یک فارم ایجاد" کنند، اما اگر به عکس ها و باز های شکاری رنگارنگ آنها دقیق شویم، به سهولت در می یابیم که باز های شکاری آموزش داده شده فقط جسد بی جان شکار خود را به صاحبش برمیگردانند و امکان اینکه پرنده و خزنده و مار و ماهی و خرگوش و... را زنده و سلامت برگردانند وجود ندارد و صید در همان دقایق نخست در چنگال تیز باز های شکاری هلاک می شود. بگفته ایرانی ها "خر خوردتی"، البته با عرض معذرت از تمام خران جهان که حیوانات زحمت کش و برده باری هستند و هرگز ضرر شان به آدمی زاده نرسیده است.

این شیخکان شکاری در حقیقت می خواهند یک داد و معامله انجام دهند، یعنی ما هر ساله به افغانستان می‌آئیم و برای یکی دو ماه به شکار مشغول می شویم و عیاشی و هزار و یک رذالت دیگر و در همین مدت یکی دو سرک را برای تان قیرریزی می‌کنیم و شاید هم یک یا دو چاه حفر کنیم و...

و اما در این سفر های تفریحی خود، نه برای شما پرنده باقی خواهیم ماند و نه خزنده و نه چرنده و نه مار و نه ماهی و... و معلودار در پهلوئی آن آهسته آهسته و مخفیانه بعضی خزنده های چهارپا و شش چشم و هشت دست را هم به وهابیت سوق خواهیم داد.

جانان موسی زی سخنگوی وزارت خارجه گفت: "هنوز تحقیقات تکمیل نشده، ولی ممکن است که در صورت اجازه سفر شکارچیان خارجی به غرب کشور، کدام سهو اداری صورت گرفته باشد."

بیشتر از دو هفته است که یکصد و شصت (۱۶۰) نفر عرب و پاکستانی و بنگه دیشی به افغانستان وارد شده اند و مشغول شکار و هزار و یک کار دیگر در ولایات هرات و فراه هستند، اما وزارت خارجه تازه از خواب خرگوش بیدار شده است و هنوز تحقیقات شان تکمیل نشده است.

جنابان آیا به این یکصد و شصت (۱۶۰) نفر ویژه صادر کرده اید یا خیر؟ بیشتر از این تحقیقاتی در کار نیست. شرم آورتر اینکه سخنگوی وزارت خارجه میگوید: " ... ، ممکن است که در صورت اجازه سفر شکارچیان خارجی به غرب کشور، کدام سهو اداری صورت گرفته باشد."

برادر! سهو اداری برای یک نفر، دو نفر، ده نفر، نه یکصد و شصت نفر با عمه و فله و موتر های ضد گلوله. شرم هم چیز خوبی است و خجالت هم.

۱۶۰ شکارچی عرب، پاکستانی، کشمیری و بنگلادشی از جمله وزیر تجارت «قطر» برای شکار به ولایت «هرات» افغانستان سفر کرده و سرگرم شکار پرندگان و حیوانات کمیاب این منطقه هستند.



غرب افغانستان دارای پرندگان کمیاب و خزندگان ارزشمندی است که شکارچیان کشورهای حاشیه خلیج فارس برای دستیابی به آنها حاضر به پرداخت پول های هنگفتی هستند.

براساس اطلاعات این منبع، ۶۰ نفر از افراد پلیس برای تأمین امنیت این شکارچیان گماشته شده‌اند.

اکنون باید یخن " عمر داوود زی "، وزیر داخله را گرفت که با کدام صلاحیت شصت (۶۰) نفر پولیس را جهت تأمین امنیت شیخان شکاری گماشته است، در حالیکه وزارت خارجه کشور مدعی است که از آمدن آنها به افغانستان اطلاع ندارند.

این است نتیجه کار را به اهل کار نه سپردن و مصلحت گرایی و رابطه ها را بر ضابطه ها ترجیح دادن.

در این گزارش آمده است که این شکارچیان عرب با چهار طیاره باریری، ۱۱ موتر ضد گلوله و دهها پرنده شکاری وارد افغانستان شده و اکنون در غرب این کشور مشغول شکار هستند.

و اما وزارت خارجه افغانستان از آن اطلاعی ندارد و از طریق رسانه ها از جریان مطلع شده و مدت دو هفته است که در مورد قضیه تحقیق میکنند و وزارت داخله افغانستان شصت (۶۰) نفر پولیس را جهت حفظ امنیت شان گماشته است و رئیس جمهور مشغول چانه زنی در مورد آزاد ساختن جنایتکاران طالب از زندان های داخل و خارج کشور است. به این میگویند " شار خربوزه".

فراه (پژواک، ۲۳ جدی ۹۲): شکارچیان عرب که به منظور شکار پرندگان نایاب، به ولایات حوزه غرب افغانستان آمده اند؛ از دو هفته بدینسو در ولایت فراه به سر می برند.

عجب است!!! وزارت خارجه را خبر کنید!!!



د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی



"...، مشرانو جرگه نیز ضمن ابراز نگرانی از شکارهای غیرقانونی، دیروز وزیر امور خارجه را فراخوانده بود تا در

این مورد
معلومات
ارایه کند؛ اما
وزیر خارجه
در
مجلس
جرگه شرکت نکرد."



وزیر خارجه در یک داد و معامله شرم آور با شیخکان شکاری

عرب، نه بخود روی ماند و نه به وزارت خارجه و نه هم به رئیس جمهور، پس چگونه باید از وی توقع داشت تا به مشرانو جرگه تشریف فرما شده و به سوالات مشران جواب بگوید؟ او جوابی ندارد که ارائه کند، به غیر از یک مشت دروغ و چرند. آخر گفته اند "ترکانی د بیزو کار نه دی".

"...، باران عثمانی رییس محیط زیست ولایت فراه، به آژانس خبری پژواک گفت که امروز (۲۴ جدی) شانزده همین روزی است که بیش از یکصد و پنجا تن از شکارچیان خارجی به شمول وزیر تجارت قطر در این ولایت به سر می برند."

شانزده روز است که یکصد و پنجاه یا یک صد و شصت شیخ شکاری به شمول وزیر تجارت قطر در فراه مشغول عیاشی و شکار اند، و شاید هشت یا ده روز هم در ولایت هرات مشغول شکار بوده اند. عجله کنید وزارت خارجه را باخبر کنید تا از خواب خرگوش بیدار شود!

"...، همچنان به اساس معلومات صمدیار ولسوال جوین، این افراد که تعداد شان به ده ها تن می رسد، از یازده روز بدینسو در قسمت شرقی ولسوالی جوین در منطقه "چاکرته" یک کمپ ساخته اند و در آنجا به سر می برند.



وی گفت که این افراد، بدون هماهنگی با وی، به همراه پولیس به این منطقه آمده و برای کسی اجازه نزدیک شدن را نمی دهند."

" داوود زی"، وزیر امور داخله، هنوز نمیداند که در همچو مواقع، مسؤلین آن وزارت وظیفه دارند تا با مؤظفین و

مسؤلین منطقه در تماس گردیده و آنان را در جریان کار قرار دهد. چه باید کرد؟ همین وزیر و همین اجراءت. بیشتر از این نمی توان از او توقع داشت. آخر در این کشور قحط الرجال است!

" رییس محیط زیست فراه گفت که به اساس فرمان رییس جمهور، شکار پرندگان بخصوص پرندگان کمیاب، کاملاً منع است و وی در مورد آمدن شکارچیان خارجی به فراه، به وزارت های امور داخله و خارجه گزارش داده است."

عجب دور و زمانه است!!! به گمان من که باید وزارت خانه های داخله و خارجه در مورد به مسؤلین ولایات متذکره اطلاع میدادند و آنانرا در جریان میگذاشتند، نه بر عکس. اما با تأسف که " رفتن ما به عقب رو به دوام است اینجا! "

عثمانی افزود: " اینها (شکارچیان) واسطه کلان در بین مقامات بلندپایه در کابل دارند؛ منع کردن شان از قدرت مقامات محلی خارج است."

یک دنیا سپاس از " باران عثمانی رئیس محیط زیست فراه که با جرئت یک حقیقت بسیار تلخ را بیان کرد. آب اینجا از سر چشمه خت است.

" عبدالخالق نورزی ولسوال خاکسفید می گوید که شکارچیان عرب، امسال تا حال به این ولسوالی نرفته اند؛ اما در سال ۱۳۸۶ تعداد آنها بخاطر شکار پرندگان کمیاب(عقاب و خانو) به این ولسوالی آمده بودند که از طرف طالبان روبرو شدند.

وی گفت که طالبان، شکارچیان روبرو شده را بعد از چند روز رها کردند؛ اما ۱۲ موتر نوع کروزین آنها را پس ندادند."

از گفته های ولسوال خاک سفید بر می آید که این شیخان شکاری همه ساله با همین آرگاه و بارگاه و خرگاه به افغانستان می آیند، یکی دو ماه ای مشغول شکار و عیاشی و خوشگذرانی می شوند و با عالمی از شکار به

کشور های شان برمیگردند و چند مشت دالر و دینار به جیب های مقامات حکومتی و محلی می ریزند و آب از آب تکان نمی خورد. رئیس جمهور از قضیه آگاهی کامل دارد و به وزرای خود هم دستور های مشخص پشت پرده داده است. سهم در بازسازی، یک دروغ شاخدار و کس مخر است.

در این دوازده سال گذشته این شیخان شکاری کدام پروژه عام المنفعه را روی دست داشته اند و نتیجه چه بوده است؟

{ یک تن از کارمندان دولتی که نخواست نامش در گزارش ذکر شود نیز گفت که سال گذشته، وی به دستور یک تن از مقام های محلی فراه، شکارچیان عرب را در این ولایت چهار روز همراهی نموده و جریان شکار را عکس برداری می کرد.

وی افزود که در چهار روز، از نزد عرب ها ۱۲۰۰ دالر امریکایی انعام به دست آورده بود. وی گفت: "این شکارچیان، همه ساله کمپ های بزرگ و پرمصرفی را به خاطر شکار پرندگان کمیاب در ولسوالی های، جوین، قلعه کاه، خاک سفید و اناردره این ولایت جور می کنند." }

پس دیده میشود که این شیخان واقعاً هم هر سال جهت شکار به افغانستان می آیند و آن قرارداد پنج ساله متذکره در خفا بین رئیس جمهور و شیخان شکاری عقد شده است و دستور رئیس جمهور مبنی بر منع شکار پرندگان نایاب، در حقیقت نوشتن در یخ و گذاشتن در آفتاب بوده است. اینکه برای رئیس جمهور از این داد و معامله شرم آور و ضد منافع ملی افغانستان، چه رسیده است و میرسد هنوز، با گذشت زمان آشکار خواهد شد.



رژیم موجوده که اساس آن در کوهپایه های ارزگان گذاشت شد، نه تنها که در تمام دور حاکمیت خود حتی یک جنایتکار جنگی را به محکمه نه کشانید، بلکه هرگاه و نا گاه و چپ و راست، زندانیان جنایت پیشه طالب و حزب اسلامی را هم از زندان ها آزاد ساختند و حتی در همین مدت اندکی که از عمر بی مصرف رژیم باقیست، تمام فکر و ذکرش را آزادی طالبان وحشت و جنایت از زندان های افغانستان و زندان کوانتانامو تشکیل میدهد و در جواب، طالبان هر روز مردم عام و بی گناه افغانستان را آماج حملات انفجاری و انتحاری قرار داده و پارچه پارچه میکنند و یاهم سر میبرند و سنگسار میکنند و ...

رژیم موجوده بدین وسیله، در حقیقت قبل از وفات خود، گور مردم مظلوم افغانستان را بدست برادران ناراضی و راضی خود حفر میکند و مسئولیت مستقیم تمام نابسامانی های موجود و بدبختی هائی را که در قبال خواهد داشت، شخصی بنام حامد کرزی بدوش دارد.

و سخن آخر در این مختصر متوجه کاندیدان و یا نامزدان ریاست جمهوری کشور است، البته منظور از جنگ سالاران و جنایتکاران جنگی در این جمع نا متجانس نیست، بلکه منظور نظر آن جنابانی اند که از سوادى برخوردار اند، در تربیه و پرورش و تعلیم و تحصیل شان پول بیت المال به مصرف رسیده و گویا سر شان به تن شان می آرزد.

ایکاش این هموطنان تحصیل یافته ما اگر واقعاً سودای خدمت به میهن و هم میهن در سر داشته اند، بجای شوق ریاست جمهوری، مسئولیت تعلیم و تحصیل فرزندان و آینده سازان کشور را به عهده میگردانند و در مکاتب و پوهنتون های وطن خود مشغول خدمت می شدند، اما چه باید کرد که در ویرانه سرائی بنام افغانستان، هیچ کسی در کمتر از ریاست جمهوری قانع نیست. دیموکراسی یعنی همین!!!

من آنچه شرط بلاغست با تو می گویم
تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال
پایان

د پانو شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
باندنښت: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ